

یک روضان

دانشگاه

نشریه فرهنگی مذهبی یک روضان شماره سی و نهم
ویرانه خرداد سال ۱۳۹۳ شمسی ۱۴۲۵ هجری قمری

امام صادق علیه السلام: خداوند تعالی به پیامبری از انبیا وحی کرد: به قومت بگو! لباس دشمنان مرا نپوشند و به شکل دشمنان من در نیایید، غذای دشمنانم را نخورید، اگر چنین کنید شما نیز مانند آنها دشمنان من خواهید بود. میزان الحکمه، ۱۸/۵

این نشریه حاوی اسامی متبرک است



مضرات لباس تنگ برای سلامتی

لباس تنگ باعث ایجاد اختلال در جریان خون، احساس کوفتگی و خستگی، دل درد، نفخ شکم، عفونت ادراری در خانم ها، خارش و سوزش پوست، آگزمای تماسی، زخم و بریدگی پوستی، ترش کردن غذا، رشد قارچ های پوستی و حتی سرطان سینه در خانم ها می شود. در گذر زمان و با تغییر نسل ها، گویا یک پدیده اجتناب ناپذیر است و آن کوچک شدن همه چیز است. خانه های نقلی، ماشین های کوچک، شلوارهای کوتاه و تنگ، مانتوهای چسبان و پیراهن های تنگ، این موارد آخر در ذهن تداعی می کند که خیاط همیشه پارچه کم می آورد. اما این لباس های تنگ اگر محصول جبر زمانه نباشند، حاصل مد که هستند. اما این مد برای سلامت بدن خطرناک است. لباس تنگ، عروق پوست را تحت تاثیر قرار داده و در قسمت هایی مانع گردش صحیح خون می شود، به خصوص اگر تنگی لباس در ناحیه لگن، زانو، سینه و حلقه آستین ها باشد. همین اختلال جریان خون باعث همان عارضه شایع لباس های تنگ می شود، یعنی احساس کوفتگی و خستگی. البته گاهی این تنگی به حدی زیاد می شود که قسمت هایی از پوست کبود می شود. یکی دیگر از مشکلات لباس های تنگ مشکلات گوارشی است. در واقع لباس تنگ حرکات دودی (حرکات کرم گونه) دستگاه گوارش را مختل می کند و موجب تجمع گاز در معده و نفخ شکم می شود که معمولاً با درد شکم همراه است. همچنین پوشیدن لباس زیر تنگ، باعث افزایش احتمال ابتلا به عفونت مثانه در خانم ها می شود. یکی دیگر از عوارض لباس های تنگ، نوعی کهیر به نام کهیر فشاری است. این نوع کهیر در اثر فشار موضعی بر بدن ایجاد می شود. معمولاً ۴ تا ۶ ساعت پس از پوشیدن لباس تنگ، یک تورم عمقی همراه با خارش، سوزش و درد ایجاد می شود که پس از ۸ تا ۲۲ ساعت از بین می رود. گاهی تب و لرز، ضعف، خستگی و سردرد هم در کنار این عارضه وجود دارد. بررسی های انجام شده نشان می دهد پوشیدن لباس های خیلی تنگ در بلند مدت، احتمال گسترش تومورهای سرطانی را در بافت سینه افزایش خواهد داد. اگر آلرژی دارید لباس تنگ نپوشید. دکتر حسین طباطبایی، متخصص پوست و مو، استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران در این باره می گوید: «پوشیدن لباس تنگ در افراد سالم مشکل چندانی ایجاد نمی کند، زیرا معمولاً افراد به مدت طولانی لباس تنگ نمی پوشند و آن را پس از ساعاتی تعویض می کنند. پوشیدن لباس تنگ معمولاً برای افرادی مشکل ایجاد می کند که زمینه آلرژی و حساسیت دارند. مهم ترین لباسی که ایجاد مشکل می کند، معمولاً شلوارهای جین تنگ است نه بلوزهای تنگ. لباس تنگ در افرادی که زمینه آلرژی دارند، باعث ایجاد آگزمای تماسی می شود، به خصوص اینکه لباس های زیر و بلوزها معمولاً از جنس نخ نیستند و حتماً در آنها از مواد نایلونی و پلاستیکی استفاده می شود.

سایت تبیان

بهای نشریه ذکر صلوات جهت سلامتی آقا امام زمان عجله تعالی فرجه تشریف



شیوه های یاری امام زمان علیه السلام (قسمت سوم)

اگر کسی بخواهد خدا را یاری کند تا مشمول عنایات پروردگار و امدادهای غیبی او واقع شود، باید اولیای او را یاری کند و بدیهی است که سر سلسله اولیای الهی و محبوب ترین افراد در درگاه ربوبی، پیامبر خدا (ص) و اهل بیت (ع) او هستند و آنان سرچشمه همه برکات و واسطه همه فیوضات الهی می باشند و آنچه از طرف پروردگار به بندگانش احسان می شود به خاطر آنهاست.

۴) یاری امام عصر (ع) با امر به معروف و نهی از منکر:

یکی دیگر از راهها و شیوه های یاری امام عصر (ع)، انجام دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر است که اگر با شرایط آن انجام شود، آثار ظاهری و باطنی را به دنبال دارد. آثار ظاهری این دو فریضه در این راستا این است که: به وسیله امر به معروف، تارکان کارهای نیکو، آنها را به جا می آورند و همچنین با نهی از منکر گناهکاران یا کلا گناه را ترک می کنند یا کمتر انجام می دهند.

و در این آثار ظاهری، نوعی نصرت و یاری امام زمان (ع) نهفته است، زیرا اینها از اموری است که مختص به وجود مبارک امام (ع) است. پس هر کس موفق به انجام این امور شود، البته امام را یاری نموده است. اما آثار باطنی این دو فریضه این است که: موجب نزول برکات و فیوضات الهی شده و سبب برطرف شدن بلاها و گرفتاری ها می گردد، که در این آثار باطنی نوعی نصرت امام (ع) نهفته است، زیرا برکات و فیوضات الهی به یمن وجود مبارک امام (ع) به بندگان می رسد، پس هر کس باعث برطرف شدن موانع و سبب ظهور آنها گردد، آن حضرت را در ظهور آثار وجودی ایشان یاری کرده است

شیوه های یاری قائم آل محمد، ص ۲۳ و ۲۲



تا نرم نشی، جذب نمی شی!

داستان گوارش و هضم و جذب غذا هم داستان جالبیه. این معده و رودی ما هر چیزی رو هضم و جذب نمی کنه. تصور کنین که بخواین چند تا گردو و چند تا پسته رو نجویده بخورین. روشنه که اولاً به سختی می تونین اون رو قورت بدین و خدا می دونه که بعداً چقدر اذیت می شین و چه بسا دل درد هم بگیرین. چیزی رو که به دهانمون می ذاریم تا بخوریم ابتدا باید با دندون هامون خوب بجویم، تا با بزاق دهانمون ترکیب بشه و حسابی نرم بشه. اینطوری هم مسیر دهان تا معده رو راحت تر طی می کنه، هم بهتر هضم و جذب میشه. اساساً نرمی شرط جذابیته، من و شما هم اگر پر از نرمی و ملایمت نباشیم جذابیتمون رو از دست میدیم. ارتباطمون، حرفامون و نصیحت هامون چندان دلنشین نمیشه. راه نفوذ به قلب دیگران، نرمی و ملایمته. گاهی انتظار عجیبی داریم، می خوایم با همه ی سختی ها و سخت گیری ها و خشونت ها و درشتی ها، به قلب دیگران وارد بشیم و محبوب اونها باشیم و اونها هم به دل ما رفتار کنن! این خلاف قاعده ی طبیعته. دری که خوب بسته نشه باید روغن زد تا نرم بشه و خوب بسته بشه. توی موتور ماشین باید روغن ریخت تا نرم باشه و خوب کار کنه. نرمی، قانون هستیه. بارون وقتی نرم و آروم می باره، جذب زمین میشه، بیایید با هم تصمیم بگیریم تو رابطه هامون با پدر، مادر، همسر، فرزند، خواهر و برادرها، فامیل ها، همکارها و دوست ها و همه ی اطرافیانمون یک کم از اینی که هستیم نرم تر باشیم. **حورایی**

چند حدیث

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) به یکی از زنان درباره حق زن بر شوهرش می فرمایند:

حق تو بر شوهرت این است که از آنچه خود می خورد به تو غذا دهد، و از آنچه خود می پوشد تو را نیز بپوشاند، و به روی تو سیلی نزند و فریاد نکشد.

مکارم الاخلاق، ص ۲۱۸.

قال الامام علی علیه السلام:

امام علی - علیه السلام - فرمودند: هر گاه فردی از شما زنی را دید و به شگفت آمد به نزد همسرش رود، زیرا نظیر آنچه دیده است در همسر خود او نیز هست، پس شیطان را به دل خود راه ندهد و چشم خود را از آن زن برگرداند؛ و اگر همسر ندارد دو رکعت نماز بخواند و بسیار حمد خدا گوید و بر پیامبر و آل او صلوات فرستد، و آن گاه از خداوند درخواست کند که از فضل خویش (همسری) عطایش فرماید، خداوند هم از روی مهر و رأفت خود نیاز او را برطرف می سازد.

«بهار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۱۵»



ای کاش عظمت گناهِش را بدانیم

ما وقتی پای صحبت کسانی که مردم در احکام به آنها زیاد مراجعه می کنند می نشینیم می بینیم که از یک چیز خیلی می نالند و آن: "عدم رعایت موازین شرعی در معاملات است" متأسفانه برخی از کاسب ها این روزها به احکام معاملات اهمیت زیادی نمی دهند ما این بار می خواهیم از بزرگترین و یا حداقل یکی از بزرگترین آفات تجارت صحبت کنیم ما ابتدا عظمت گناه ربا را بیان کرده و راه حل جلوگیری از آن را از زبان امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیان خواهیم کرد:

۱) عظمت گناه ربا

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): "ربا هفتاد و سه قسم دارد که کمترین آن مثل این است که انسان با مادر خود نزدیکی کند" امام باقر (علیه السلام): "یک درهم ربا نزد خدا سنگین تر از چهل بار زنا کردن است" امام صادق (علیه السلام): "یک درهم ربا نزد خدا سنگین تر از هفتاد بار زنا کردن یا محارم در خانه خداست". "ربا هفتاد جزء دارد که کمترین آن این است که انسان با مادر خود در خانه خدا نزدیکی کند"

۲) راه حل ربا از زبان امیرالمؤمنین (علیه السلام)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) مکرر تأکید می نمود که بازرگانان قبل از ورود به تجارت احکام آن را مطالعه کنند مثلاً حضرت فرمود: "ای جمعیت بازرگانان! اول احکام معاملات بعد تجارت اول احکام معاملات بعد تجارت اول احکام معاملات بعد تجارت". "کسی که احکام معاملات را نمی داند نباید در بازار بنشیند و به خرید و فروش مشغول شود" از احادیثی با مضمون مشابه علت این فرمایش حضرت توسط خود ایشان بیان می شود: "ای مردم! قبل از تجارت احکام آن را فرا بگیرید و الله ربا در این امت از حرکت مورچه بر روی سنگ سیاه مخفی تر است". "کسی که بدون فراگیری احکام تجارت وارد آن شود بارها و بارها به ربا خواهد افتاد"

آیا ما ربا را به اندازه جماع با محارم می دانیم؟

آیا همان طور که در روابط خود با محارم احتیاط را رعایت می کنیم تا خدایی ناکرده حس بدی نسبت به آنها پیدا نکنیم درباره ربا هم آن احتیاط را می کنیم؟

چند درصد بازاری های ما احکام معاملات را فرا گرفته اند؟

از آنهایی که فراتر گرفته اند چند درصد به ربا نیفتاده اند؟

عاقبت چنین جامعه ای چه خواهد شد؟

آیا می توان برای تصور عاقبت چنین جامعه ای جامعه ای را فرض کرد که در آن زنا با محارم رواج دارد؟ یا جامعه ای که مردمش از زنا با محارم در خانه خدا شرم ندارند؟

بخش نهج البلاغه تبیان



«امام» و سبک زندگی

«بنده بودن»، مهمترین معرف هويت ما

در این دنیا ما را به هويت و شخصیت مان می شناسند، در روز قیامت نیز وقتی می خواهیم خودمان را معرفی کنیم خودمان را با یک عنصر کلیدی سبک زندگی معرفی می کنیم و آن «عبد بودن» است. در واقع، هويت اصلی ما این است که ما «عبد» هستیم. عبد بودن برای ما یک افتخار بزرگ است. حتی رسول خدا (ص) نیز اول عبد خدا بود و بعد از آن رسول خدا: (و أشهد أن محمدا عبده و رسوله). خدا کند بفرماییم که «عبد» هستیم؛ یعنی به عبد بودن خود افتخار کنیم و احساس عزت داشته باشیم. خیلی ها به اینکه عبد خدا هستند، توجه ندارند البته ممکن است به خدا اعتقاد داشته باشد ولی خود را «عبد» نمی داند. اینها حتی وقتی دعا می کنند نیز گویا دارند با خدا مذاکره می کنند و برای «من» خود، شأنی قائلند. یعنی خدا را به عنوان کسی که در عالم قدرت دارد می بینند و از او چیزهایی می خواهند؛ این بدان جهت است که معنای دقیق «عبد» را نمی دانند و هويت عبد بودن خود را درست درک نکرده اند. مثلاً تصور می کند عبد، یعنی کسی که عبادت می کند در حالی که شاید نزدیک ترین معنای عبد در زبان فارسی، کلمه «برده» باشد؛ یعنی ما بردگان خداوند هستیم و صاحب اختیار ما خداست. «عبد خدا» یعنی برده خدا. ما فارسی زبان ها نیز در مواردی به جای کلمه «من» که اتفاقاً مانع بزرگی در مسیر عبودیت است از کلمه «بنده» استفاده می کنیم که این جایگزینی، فوق العاده خوب است و مثلاً به جای این که بگوییم «من فکر می کنم»، می گوئیم: «بنده فکر می کنم»، ولی بازم به معنای حقیقی آن که در زبان فارسی «برده» گفته می شود، توجه نداریم و حتی تحمل اینکه به جای کلمه «بنده» از واژه «برده» استفاده کنیم را نیز نداریم. یک دلیل این که نماز عمود خیمه دین است آن است که بیشترین صورت بردگی و بندگی ما را نشان می دهد. وقتی انسان به سجده می رود و صورت خود را به خاک می گذارد، در واقع به حالتی که یک عبد در مقابل اربابش دارد نزدیک می شود. حتی در احکام عبادات هم دلایل جزئی آن را به ما توضیح نداده اند و ما موظفیم بنده وار آنها را انجام دهیم؛ مثل اینکه نمی دانیم چرا باید نماز صبح را دو رکعت و حمد و سوره را در آن بلند (برای مردها) و یک رکوع و دو سجده به جا آوریم.

وقتی خوبان عالم و اولیای خدا، همه عبد خدا هستند و خدای متعال، رسول اکرم (ص) را به عبد و حضرت فاطمه (س) را به امه (زنی که بنده است) ملقب می کند، تکلیف ما معلوم است. اساساً انسان تا وقتی واقعاً عبد خدا نشود، هیچ چیزی نیست و هويتی ندارد و فقط وقتی که به معنای واقعی، عبد شد، برای خودش کسی خواهد شد. کسی که عبد خدا باشد، ارباب عالم خواهد شد و خدا همه عالم را در اختیار او قرار می دهد. اگر کسی می خواهد به هويت خودش افتخار کند، به «عبد بودن» خودش افتخار کند، در واقع اولین پایگاه معرفی هويت ما عبد بودن است.

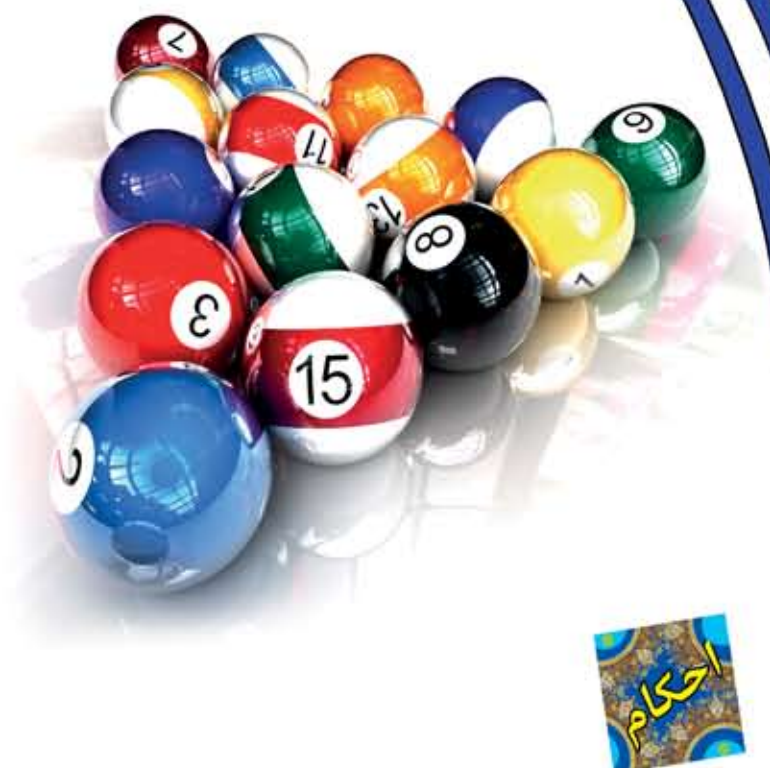
«امام» محور بندگی واقعی

محور عبادت و بندگی این است که انسان، امام داشته باشد. لذا روز قیامت وقتی می خواهیم هويت خود را معرفی کنیم باید بگوییم امام ما کیست. همان طور که قبلاً گفتیم، موضوع هويت جمعی فقط به این دنیا محدود نمی شود، روز قیامت نیز ما را به همین هويت ها می شناسند. در صحرائ محشر نیز هر کسی می خواهد خودش را معرفی کند و هويت خود را بشناسند به امام زمان خود معرفی می کند؛ یعنی در روز قیامت ما را به امامان می شناسند. خداوند می فرماید: یاد کن روزی را که هر گروهی از مردم را با امام شان می خوانیم: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُناسٍ بِاِمامِهِمْ؛ اسراء/۷۱» در آنجا از هر کسی می پرسند امام تو کیست؟

امام رضا (ع) می فرماید: «عبادت هفتاد وجه (مرتبه یا نوع) دارد، شصت و نه قسمت (مرتبه) از عبادت، تسلیم و راضی بودن به خدا و امام زمان (عج) است؛ [۱] کسی که واقعاً عبد خداست، قطعاً می داند که این خدا و ارباب، بر روی زمین جانشینی دارد که این جانشین خدا یا «خلیفه الله» نیز بعد از خدا، ارباب و مولای او خواهد بود. لذا امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: «من بنده ای از بندگان رسول خدا (ص) هستم».[۲]

امام صادق (ع) نیز می فرماید: «اگر کسی هر شب برای عبادت بیدار شود و هر روز، روزه بگیرد، همه اموال خود را صدقه بدهد، هر سال به حج برود ولی امام زمان خود را نشناسد و از او پیروی نکنند و این کارها را به اشاره امام خودش انجام نداده باشد، چنین کسی کوچک ترین حتی نزد خدا پیدا نمی کند و اجری نخواهد داشت و اصلاً از اهل ایمان نخواهد بود».[۳] ایشان در روایت دیگری می فرماید: «کسی که امام زمان خودش را نشناسد و نسبت به حق او جاهل باشد، حتی اگر در عبادت تکه تکه شود فقط از خدا دورتر خواهد شد».[۴]

مجله امان شماره ۴۵ (۱۱). بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۱۲، کالی، ج ۱، ص ۱۲۹، کالی، ج ۲، ص ۱۴۱۹، دعائم الاسلام، ج ۵، ص ۵۴



بازی بیلبارد

سوال : بازی بیلبارد که به برکت انقلاب اسلامی برچیده شده بود مجدداً راه اندازی شده ، مستدعیست بفرمایید آیا حرام است یا خیر ؟

حضرت آیت الله خامنه ای :

بازی با آلات قمار جایز نیست و تشخیص موضع با مکلف است .

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی :

بازی با وسایلی که عرفاً آلت قمار محسوب می شود حرام است .

حضرت آیت الله تبریزی :

بازی با آلات قمار چه با برد و چه باخت مالی باشد یا بدون آن جایز نیست .

حضرت آیت الله سیستانی :

اگر در عرف محل از آلات قمار نباشد ، بازی بدون برد و باخت با آن مانعی ندارد

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی :

بازی با آلات قمار حتی بدون برد و باخت حرام است .

حضرت آیت الله مکارم شیرازی :

هرگاه از آلات قمار خارج شده باشد و در نزد عرف یک وسیله سرگرمی

محسوب شود بازی با آن بدون برد و باخت اشکال ندارد .

حضرت آیت الله بهجت :

بازی کردن با آلات قمار ، از قبیل نرد و پاسور و شطرنج ، با برد و باخت حرام

قطعی است و بدون برد و باخت احتیاط در ترک آن است و در شطرنج احتیاط

اشد است .

مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید ، ص ۱۲۷

مناظره با زنی خودنما

حجت الاسلام و المسلمین سید محمد مختاری سبزواری می گویند : در بررسی ادیان و مذاهب و گفتگو با دانشمندان شان به این حقیقت رسیده ام که : جز مذهب تشیع ، ادیان و مذاهب دیگر ، راه حل معقولی برای مشکلات جنسی و خانوادگی ندارند و باید هم چنین باشد . ایشان در ادامه خاطره ای را چنین نقل نموده اند :

چندین سال پیش از انقلاب که در حوزه ی نجف اشرف درس می خواندم، در تابستان برای زیارت به سوریه رفتم و سری هم به لبنان زدم . در یک مسافرت داخلی لبنان ، مینی بوس بین راه خراب شد . همان جا کنار جاده ، آبی بود و چند درخت که برای نماز به آن جا رفتم . در بین نماز سر و صدا و بگو مگویی بلند شد. پس از پایان نماز دیدم جز چند نفر همه همراهان ما زیر درخت جمع شده اند و ماجرای است بدین قرار :

مرد جوانی که معلوم شد وکیل دادگستری است از ساک دستی اش مرغ بریانی در می آورد ، کنار آب رو به روی حاضران ، شروع به خوردن می کند.

در میان مسافران ، زن جوان زیبایی بود نیمه عریان ، خود نما و هوس انگیز که بعضی از همراهان از خود نمایی و بی حیایی او ناراحت بودند ، وی تک و تنها بود و فقط بچه ای حدود سه یا چهار ساله همراه داشت چون چشم بچه اش به مرغ بریان می افتد از مادرش آن را تقاضا می کند.

خانم ناراحت شده به وکیل اعتراض می کند و می گوید :

آقای محترم !! این کار شما خلاف ادب اجتماعی و دور از انصاف است . زیرا این مردم که اینجا نشسته اند و مرغ خوردن شما را می بینند اشتهای شان تحریک می شود و هوس می کنند و چون فعلاً دسترسی به آن ندارند و نمی توانند این هوس را اشیاع کنند ، ناراحت می شوند . مخصوصاً امثال این بچه (اشاره به بچه اش) که بهانه می گیرد و حرف هم سرشان نمی شود . بنابراین به حکم ادب و انصاف اجتماعی می بایست مرغتان را در گوشه ای تنها می خوردید نه روبه روی این همه آدم .

وکیل گفت : درست است که کار خوبی نکردم ولی مجبور بودم ، چرا که از طرفی ، هنگامی که گرسنه می شوم ، اگر غذا نخورم دلم درد می گیرد و از حال می روم از طرف دیگر با غذا آب زیاد می نوشم و وسیله ای هم نداشتم که آب را با خودم به گوشه ی تنهایی ببرم ، لذا مجبور شدم که کنار این چشمه در مقابل شماها غذا بخورم و در عین حال معذرت می خواهم .

پس از معذرت خواهی و اعتراف وکیل به تقصیرش ، خانم خودنما طلبکاری و غرورش بیشتر شد ، وکیل که از پر حرفی خانم داشت ناراحت می شد به وی گفت :

در حضور این جمعیت با شما حرفی دارم . وکیل گفت : چه طور شده به قول شما مرغ بریان خوردن من در انظار دیگران که اشتها و هوس آنان را تحریک می کند و فعلاً دسترسی به آن ندارند ، ناراحت شان می کند ، و این دور از انصاف و ادب اجتماعی است ، اما اگر شما که پیکرتان را با زینت و آرایش ، زیبا و هوس انگیز ساخته اید و نیمه عریان در دیدگاه ما قرار داده اید ، آیا اشتها و هوس جنسی ما را تحریک نمی کنید ؟

آیا به خاطر عدم امکان ارضای این هوس برانگیخته ، ما را ناراحت نمی سازید ؟ آیا این کار شما دور از انصاف و خلاف ادب اجتماعی نیست ؟

آن گاه خطاب به حاضران گفت :

شما را به عدل و انصاف قسم اگر گفتارم درست یا نادرست است ، بگوئید تا چیزی بفهمم . حاضران که چون من از خودنمایی و هوس انگیزی خانم ، متاثر شده بودند ، پاسخ دادند : آن چه گفتید صحیح و مطابق با واقع است .

هزار و یک حکایت عبرت انگیز ، ص ۶۳۲

زندگی با قرآن :

شش نکته کاربردی در ارتباط با فرزندان

قرآن کریم که سراسر درس زندگی است در ابتدای سوره مبارکه یوسف با بیان مختصری از رابطه پیامبر بزرگ الهی حضرت یعقوب با فرزندش یوسف درسهای متعددی را در ارتباط والدین با فرزندان به ما می آموزد که به ۶ مورد آن اشاره می نمایم:

۱) رابطه صمیمانه

از مهمترین نکته ها در ارتباط والدین با فرزندان رابطه صمیمانه است بگونه ای که فرزندان احساس بیگانگی ننمایند و بتوانند راحت با پدر و مادر ارتباط برقرار کنند و در نتیجه مسائل خود را با آنان در میان بگذارند. این رابطه صمیمانه است که می تواند از بسیاری از خطرها جلوگیری نموده و فرزندان را از گرایش به بیگانگان باز دارد.

۲) آگاهی از روحیات فرزندان

حضرت یعقوب کاملاً یوسف و برادش بنیامین و سایر فرزندان خود را می شناخت اگر پدر و مادر روحیات فرزند خود را بدانند به خوبی می توانند در هر شرایطی برخوردی مناسب با روحیه آنها داشته باشند و آنها را از خطرات نجات دهند و به ارزشها تشویق نمایند.

۳) اظهار محبت به فرزندان

نوع عبارتی که قرآن کریم از بر خورد حضرت یعقوب با فرزندش یوسف و بعد هم با سایر فرزندانش بیان می کند، حاکی از محبت و اظهار محبت است. از نکته های مهمی که باید والدین غافل نشوند این است که دوست داشتن خود به فرزندان را اظهار کنند که این اظهار ممکن است با زبان و یا با رفتار باشد ولی تکرار این اظهار محبت امری است ضروری و در حفظ فرزندان و جذب آنها به خانواده، نقش بسزایی دارد.

۴) آموزش

والدین باید به روشهای مختلفی، فرزندان خود را از مسائل اعتقادی، از شرایط محیط، از خطرها و از دوست و دشمن آگاه نماید. گاهی با بیان صریح، گاهی با نقل داستان، گاهی با نقل از بزرگان و نکته هایی که از آنها یادآوری می نمایند. و می بینیم که حضرت یعقوب علیه السلام فرزندش یوسف را آموزش داد که چگونه با برادران خود برخورد نماید و چگونه از خطرهای احتمالی پیشگیری کند.

۵) گوش سپردن به سخنان فرزندان

هنگامی که والدین با حوصله به سخنان فرزندانشان گوش دهند، و برای آنها وقتی را اختصاص دهند، فرزندان تشویق می شوند که اتفاقات اطراف خود را برای والدین بگویند و برخوردهایی که با دوستان و غیردوستان دارند برای پدر و مادر بازگو نمایند و در این گوش کردنهاست که والدین می توانند نقطه های قدرت و ضعف را شناسایی و فرزندان خود را به موقع راهنمایی کنند که حضرت یعقوب علیه السلام بر این جریان هم با کمال آرامش خاطر به سخنان فرزندش گوش کرد و رهنمودهای لازم را به او آموخت.

۶) تلاش برای اصلاح روابط فرزندان

از برنامه هایی که باید پدر و مادر به آن توجه داشته باشند این است که با تدبیر لازم فرزندان خود با یکدیگر علاقه مند کنند و با محبت بار آورند و اگر فرزندی نسبت به فرزند دیگر بدخواهی داشت با تدبیر از آن پیش گیری نمایند. اگر چه حضرت یعقوب موفق بر این کار نشدند اما تلاش خود را برای اصلاح رابطه برادران با یوسف و یوسف با برادران انجام داد.

و مهم این است که پدر و مادر در انجام وظیفه خود کوتاهی ننمایند. بنابراین همواره باید به روابط فرزندان دقت کنند و به اصلاح آن همت بگذارند.

راه روشن - مهدی عدالتیان